



زندگی کاملی را که دارای همه‌ی مزایای یک زندگی

سالم انسانی است، به وجود بی‌آورد.

قرآن، به‌عنوان دستورنامه‌ی اسلامی، آزادی فردی، امنیت و حفظ شخصیت را از حقوق نخستین انسان‌ها دانسته و مفهوم «انسانیت» را به معنای واقعی کلمه در خود ترسیم کرده است. اسلام، ترکیبی جامع و دیالکتیکی میان دو دیدگاه متضاد «ماده‌پرستی یهود و نفی ماده در مسیحیت» به وجود آورد و از میان این دو، امت وسط را پدید آورد.

اسلام، هرگونه راست‌گرایی و چپ‌گرایی را بیهوده تلقی کرد، زیرا سران این دو جز طغیان چیزی به بار نیاوردند. در مقابل، اسلام خود را به‌عنوان نمونه‌ی بارزی از صراط مستقیم معرفی کرد. در نظام اسلامی، میان مصلحت فرد و جامعه، توازن و تعادل برقرار است. مصالح فرد به خاطر جامعه و مصالح جامعه به خاطر فرد پایمال نمی‌شود. اسلام این توازن را با توجه به اصل «لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» و قاعده‌ی «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» برقرار می‌کند.

اسلام، دینی ساده، آسان و مطابق با هر زمان و مکان است. همه‌ی نژادهای بشری، اعم از سیاه و سفید، را اعضای یک خانواده می‌داند. اسلام ما، از سلمان فارسی، صهیب رومی و بلال حبشی، برادرانی پرورش داد که همگی در راه حق، در یک صف قرار گرفتند. دکتر مصطفی محمود می‌نویسد: «تجربه و آزمایش، به‌خوبی می‌تواند اصالت مکتب ما را بر جهانیان ثابت کند؛ اما طبیعی است که کسانی که منافع پست مادی خود را در خطر می‌بینند، از اجرای اصول این مکتب انسان‌ساز جلوگیری کنند.»

آری، این ویژگی‌ها بود که اسلام را به‌عنوان قدرتی سازنده معرفی کرد و نشان داد که موفق‌تر از هرگونه نظریه‌ی سیاسی، اجتماعی و... است.

آری، این است صراط مستقیم؛ راه خداوند.

منابع:

اسلام یا مارکسیسم؛ مصطفی محمود، ترجمه: سیدهادی خسروشاهی

نقد مبانی سکولاریسم؛ همایون همتی

امروزه صدها و بلکه هزاران دین‌پژوه در سراسر دنیا مشغول فعالیت‌اند. وجود دپارتمان‌های دینی در دانشگاه‌های مختلف جهان نشان از اهمیت و تأثیرگذاری دین دارد. زمانی افرادی همچون فروید می‌گفتند: «دین توهم است.» اما آن دوره گذشت و به‌وضوح معلوم شد که خود فروید و پیروانش اسیر توهم شده‌اند. ماکس وبر (Maximilian Karl Emil Weber) معتقد است که «دین می‌تواند در سطح وسیعی از جامعه، سیاست، اقتصاد و... نقش‌آفرینی کند.»

در این میان، شریعت اسلام نقش بیشتری داشته و با ارمغان‌های خود روح تازه‌ای به کالبد بشریت دمیده است. این شریعت والا مقام نشان داد که نه تنها افیون توده‌ها نیست، بلکه با فرمان به عدم پذیرش ظلم و ستم و موضع‌گیری به‌موقع، از همه‌ی توده‌ها خواست زندگی سالم و معتدلی بسازند. اسلام به‌عنوان پدیده‌ای برتر از جامعه ظهور کرد و نشان داد که انگیزه‌های مادی و اقتصادی نقشی در پیدایش آن نداشته‌اند.

اهل کلیسا با ظلم، تبعیض و جلوگیری از هرگونه پیشرفت، گریبان‌گیر جامعه شده بودند. بر اثر ظلم آنان است که تا به امروز دینداران توان آن را پس می‌دهند. اروپا در دوران رنسانس به علم و دانش روی آورد، اما اسلام از همان آغاز، خواستار عدالت، علم و فناوری شد. اسلام، برخلاف افکار جاهلیت، برای احقاق حقوق زنان به پا خاست و جایگاه انسانی آنان را تثبیت کرد. آیین ما جنبش فمینیسم رسوای عام و خاص کرد و نشان داد که هدف آن، چیزی جز اسارت زنان نیست.

افسانه‌سرایی‌های کارل مارکس (Karl Heinrich Marx) راه به جایی نبرد و در نهایت، بر دردهای جامعه افزود؛ اما مدت‌ها پیش از آن، اسلام حقوق همه اقشار را تبیین کرده بود. ژاک اوستری (J. Austri)، اقتصاددان فرانسوی، می‌گوید: «راه رشد و توسعه در سرمایه‌داری یا سوسیالیسم پایان نمی‌پذیرد. به نظر من، یک اقتصاد سالم اسلامی، با توجه به امکانات مسلمانان، می‌تواند

شبهه: اعراب مسلمان در فتوحات اسلامی، مردان و زنان ایرانی را به بردگی گرفته‌اند.

پاسخ: برای پاسخ به این پرسش، ابتدا باید به یک نکته مهم توجه کنیم:

ما در قرن بیست و یکم، زمانی که برده‌داری طبق قوانین بین‌المللی ممنوع است، به این موضوع می‌پردازیم. به همین دلیل، برده‌داری برای انسان امروزی امری عجیب و غیرقابل پذیرش به نظر می‌رسد. اما در دوران ظهور اسلام، گرفتن اسیر در جنگ‌ها امری رایج و پذیرفته‌شده در تمام جوامع آن زمان بود. اسلام نه آغازگر نظام برده‌داری بود و نه مشوق آن، بلکه در دورانی ظهور کرد که برده‌داری یک واقعیت اجتماعی گسترده و ریشه‌دار بود. برده‌داری مختص یک قوم یا جامعه خاص نبود. همان‌طور که اعراب برده‌داری می‌کردند، سایر اقوام نیز به این عمل می‌پرداختند. حتی پادشاهان ایرانی نیز در لشکرکشی‌های خود از مغلوبین برده می‌گرفتند و آنان را در بازارهای ایران به فروش می‌رساندند.

اسلام در ابتدا امکان منع کامل برده‌داری را نداشت، زیرا چنین اقدامی مشکلات اقتصادی و اجتماعی بزرگی ایجاد می‌کرد. جامعه‌ای که اقتصاد و مناسبات اجتماعی‌اش بر برده‌داری استوار بود، با یک ممنوعیت ناگهانی دچار فروپاشی می‌شد. از سوی دیگر، در دنیایی که دشمنان اسلام از برده‌گیری به‌عنوان ابزار جنگی استفاده می‌کردند، منع کامل برده‌گیری از سوی مسلمانان به معنای ضعف و خلع سلاح آنان در برابر دشمنان بود.

برای روشن‌تر شدن موضوع، به این مثال توجه کنید: امروزه که دنیا مملو از بمب و تسلیحات پیشرفته نظامی است، اگر انتظار داشته باشیم که یک کشور، صرفاً به دلیل ویرانگر بودن این سلاح‌ها و احتمال بالای کشته شدن غیرنظامیان، استفاده از آن‌ها را کنار بگذارد و با شمشیر به نبرد دشمنانش برود، چنین انتظاری غیرمعقول و نادرست خواهد بود. حال اگر انتظار داشته باشیم که اسلام در آن دوران، به یک‌باره برده‌داری را ممنوع می‌کرد، این نیز انتظاری غیرمنطقی است.

اما اسلام در رویکردی تدریجی و هدفمند تلاش کرد تا این نظام ناعادلانه را اصلاح کرده و به تدریج به سمت برچیدن آن حرکت کند. بسیاری از روش‌های ظالمانه برده‌گیری، مانند یورش برای برده‌گیری، تبدیل بدهکاران به برده و استفاده از کودکان بی‌سرپرست به‌عنوان برده، در اسلام ممنوع شد. طبق احکام اسلامی، تنها افرادی می‌توانستند به اسارت گرفته شوند که در میدان جنگ به مبارزه برخاسته بودند.

در هیچ سند تاریخی معتبری نقل نشده است که مسلمانان مردان و زنانی را که علیه آنان ننگیده بودند، به اسارت گرفته باشند. تنها کسانی به اسارت در می‌آمدند که به‌صورت مسلحانه در برابر مسلمانان ایستادگی می‌کردند. مجاهدان اسلام که وارد ایران شدند، هیچ شهری را قتل‌عام نکردند و مردم را از سرزمین‌هایشان آواره نساختند. تمامی تلفات و خسارات جنگی مربوط به افرادی بود که در میدان نبرد علیه مسلمانان شمشیر کشیده بودند. طبیعی است که در میدان جنگ، با افراد مسلح - چه مرد و چه زن - رفتار نرم و محترمانه‌ای صورت نمی‌گیرد.

از سوی دیگر، اسلام همواره به خوش‌رفتاری با بردگان توصیه کرده و آزادی آنان را مورد تشویق قرار داده است. قرآن و احادیث پیامبر اسلام (صلی الله علیه و سلم) مملو از تأکید بر حسن رفتار با بردگان و سفارش به آزادی آنان در مناسبت‌های مختلف است. این نشان‌دهنده هدف اسلام برای حذف تدریجی برده‌داری و حرکت به سمت نظامی عادلانه‌تر بود.

الحاد (آتئیسم) در هیچ عصری همچون عصر کنونی عرض اندام نکرده است، چنان‌که اکنون با تمام قدرت به میدان نبرد افکار آمده و تمام باورها و مکاتب را به هم‌آوردی و مبارزه می‌خواند. اما چرا این امر بی‌سابقه بوده است؟! زیرا حکومت‌ها و قدرت‌های پیشین به ادیان باورمند بوده‌اند، اما دنیای عصر کنونی، به‌ویژه پس از جنگ‌های جهانی، به سمتی رفت که زمینه‌ساز ثروتمند و قدرتمند شدن بزرگ‌ترین دشمنان بشر، یعنی یهودیان، گردید. آنان توانستند پیروزمندان جنگ جهانی را زیر سلطه‌ی خود بگیرند و از طریق آن‌ها، الحاد (ناباوری) و بی‌اخلاقی را بر جهانیان تحمیل کنند.

از همین رو، الحاد به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف دین‌ستیزان و اخلاق‌براندازان یهودی، به‌شدت پشتیبانی مالی شد و به‌صورتی سازمان‌یافته به فعالیت پرداخت. دین مسیحیت در اروپا، به‌خاطر جنایت‌ها و تحریفات کلیسا، به‌شدت کم‌رنگ و منفور شده بود؛ لذا الحاد در آنجا توانست جایی برای خود باز کند. اما در جهان اسلام با وضعیتی کاملاً متفاوت روبه‌رو هستیم، زیرا گرچه بیشتر مسلمانان از حقیقت دین اسلام فاصله گرفته‌اند، ولی هنوز دین تحریف‌نشده باقی مانده و جمع زیادی نیز حامل آن هستند و به دفاع از آن می‌پردازند.

بنابراین، الحاد برای نفوذ در بین اقشار مختلف جامعه‌ی مسلمان، به‌ویژه جوانان، به رویارویی مستقیم روی نمی‌آورد، بلکه از تمام روش‌های مکارانه استفاده می‌کند. چنان‌که گاهی در قالب کانال‌ها و پیج‌های طنز آشکار می‌شود، گاهی نیز از راه ارائه‌ی مطالب علمی، به‌ویژه علم تجربی، به سمپاشی می‌پردازد. برخی اوقات هم در لباس ملی‌گرایی و میهن‌پرستی و... ظاهر می‌شود. خلاصه آنکه از راه‌های غیرمستقیم بهره می‌گیرد تا زهر خود را در فکر و ذهن مسلمانان بریزد و در این راستا از شبهات تمام افکار و مکاتب انحرافی بهره‌برداری می‌کند.

بنابراین، لازم است که ما مسلمانان به سلاح علم و یقین مسلح شویم و تلاش کنیم که به نوبه‌ی خود، از افتادن اطرافیان خویش در باتلاق الحاد جلوگیری کنیم. باید بدانیم که مقابله با الحاد، در واقع مقابله با کمونیسم، سکولاریسم، ناسیونالیسم، فمینیسم، سنت‌ستیزی و دیگر مکاتب اسلام‌ستیز است و همین امر، اهمیت مقابله با الحاد را به ما گوشزد می‌کند.

بنابراین، لازم است که ما مسلمانان به سلاح علم و یقین مسلح شویم و تلاش کنیم که به نوبه‌ی خود، از افتادن اطرافیان خویش در باتلاق الحاد جلوگیری کنیم. باید بدانیم که مقابله با الحاد، در واقع مقابله با کمونیسم، سکولاریسم، ناسیونالیسم، فمینیسم، سنت‌ستیزی و دیگر مکاتب اسلام‌ستیز است و همین امر، اهمیت مقابله با الحاد را به ما گوشزد می‌کند.

نویسنده: امام ابوالحسن ندوی - رحمه الله -

در مقاله‌ی سابق، در مورد ماهیت شرق‌شناسی، پیشینه و انگیزه‌های آن بحث کردیم. در این مقاله، به خلاصه‌ای از دعوت و پیغام خاورشناسان اشاره می‌کنیم که آن را با عناوین مختلف به ذهن خوانندگان روشن‌فکر منتقل کرده‌اند و آنان نیز این عناوین را مانند یک حقیقت بدیهی و معقول هضم می‌کنند. دانشمند مصری، دکتر محمد البهی، در کتاب الفکر الاسلامی الحدیث به بیان تئوری و برنامه‌ی خاورشناسان پرداخته است:

۱- جامعه‌ی اسلامی تنها در یک بازه‌ی زمانی کوتاه، آن‌هم در ابتدای امر، با اسلام ارتباط تنگاتنگ و قوی داشته است و همین ابتدائیت، نوعی از تناسب بین آموزه‌های اسلام و زندگی ایجاد کرده است؛ اما بعد از گذشت زمان کوتاهی، شکاف بین جامعه و اسلام زیاد شد. هر قدر جامعه‌ی اسلامی به لحاظ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تغییر کرد، اسلام نتوانست خود را با این تغییرات تطبیق دهد.

۲- عقب‌ماندگی در اجرای آموزه‌های اسلام، ناشی از ضرورت‌های اجتماعی و فشار شرایط نوین زندگی، باعث شد که اسلام نتواند آن‌ها را در چارچوب آموزه‌های خود بگنجانند. در نتیجه، سخت‌گیری در اجرای تعالیم اسلامی، گوشه‌گیری، عقب‌ماندگی در استفاده از تجهیزات مدرن، و پذیرش فقر، بیماری و جهل به وجود آمد.

۳- یقیناً رشد و پیشرفت بخشی از قانون زندگی است که باید آن را پذیرفت و اگر مسلمانان می‌خواهند با جهان غرب همراه شوند و از ضعف و تباهی‌های یابند، باید به بلندای ترقی برسند و اسلام را به‌عنوان یک دین، به تکامل برسانند. همان‌گونه که الگوهای غربی در مشرق‌زمین تلاش می‌کنند، اسلام‌گرایان نیز برای پیشرفت باید همانند آنان، و بلکه بیشتر، به تکاپو پردازند؛ زیرا گرایش‌های غربی بر مجموعه‌ای از تجربه‌ی انسانی بنا شده که به عمل تبدیل شده و این شیوه‌ی عملی تحت تأثیر هیچ خرافه یا عقیده‌ی خاصی نیست، بلکه فقط هدف آن، بهبود زندگی بشر است.

خاورشناسان، بعد از دو قرن تجربه، به این نتیجه رسیده‌اند که شیوه‌ی آنان برای تغییر فکر مسلمانان و همراهی آنان با الگوهای غربی و گرایش‌های مادی، رضایت‌بخش نبوده است. آنان متوجه اشتباه اساسی خود شده‌اند که سبب ناکامی آنان گردیده و بلکه در برخی مواقع، باعث واکنش سخت از سوی مسلمانان شده است؛ واکنشی که خود، خطری برای دعوت به مسیحیت محسوب می‌گردد.

مستشرقین، پس از بررسی برنامه‌ها و نتایج زحمات خود، به این درک رسیده‌اند که باید در شیوه‌های دعوت خود تغییر اساسی ایجاد کنند. بدین‌گونه که برای اسلام، برنامه‌ای جدید پیشنهاد دهند و به جای تغییر فکر و اندیشه‌ی مسلمانان، جنبش اصلاح دیانت را تأسیس نمایند.

عبارت کتاب به‌سوی شناخت اسلام (Towards Understanding Islam) اثر مری گیلورد دورمان، شرق‌شناس آمریکایی (Marry Gaylord Dorman)، بر این تغییر و شیوه‌ی جدیدی که آنان اختراع کرده‌اند، دلالت دارد. مؤلف کتاب می‌نویسد:

«جنبش‌های اصلاحی عبارت‌اند از تلاش‌های بی‌وقفه‌ای که در توضیح آموزه‌های دینی در پرتو تجارب کنونی انجام می‌شود، یا اینکه جنبش‌های اصلاحی کوششی است برای فهم تجربه‌های جدید در روشنائی آموزه‌های دینی. و به‌خاطر اهمیت بالای آن، دعوت‌گر مسیحی به هیچ عنوان از آن بی‌نیاز نیست.

و البته این بدان معنا نیست که هر حرکت جدیدی از سوی برخی افراد فرومایه، سزاوار بحث جدی باشد. منظور بنده، آن جنبش‌هایی است که به توضیح و تشریح عواطف دینی در قبال زندگی کنونی می‌پردازند و در واقع، تفسیری روحانی از تجربه‌های روزمره و عادی هستند.»

اگر اندکی تأمل کنیم، خواهیم دید که پرچم‌داران اصلاح و پیشرفت، یا همان رهبران تجددگرایی و غرب‌زدگی که در نیم‌قرن گذشته سر برآورده‌اند، در افکار، نظرات و شیوه‌ی زندگی‌شان، روح مستشرقین، دعوت و تربیت‌شان نمایان گشته است. تا جایی که می‌توان گفت، افکار خاورشناسان، در حقیقت مبنای فکری و اساس عمل این دسته از افراد است.

بی‌درنگ، خاورشناسان در تلاش‌اند تا الگوهای اسلامی را ضعیف و فاقد ارزش، و در مقابل، الگوهای غربی را بلندمرتبه و بزرگ جلوه دهند.

خاورشناسان با تمام صراحت می‌گویند: بی‌تردید زبان عربی فصیح (زبان قرآن) منطبق با نیازهای روز نیست و باید زبان عامیانه‌ی غربی رواج پیدا کند تا زبان روزنامه‌ها و تألیفات گردد.

آن‌ها همچنین پیشنهاد دادند که خط لاتین جایگزین خط عربی شود. این بدان معناست که امت عربی از قرائت صحیح قرآن - که میراثی علمی و بی‌همتا است - محروم می‌ماند.

با این پیشنهادات، می‌توان به اهداف خاورشناسان، بُرد افکار و دقت نظرشان در محقق کردن خواسته‌هایشان، و دشمنی آشکارشان با اسلام پی برد.

با وجود اینکه تألیفات خاورشناسان، آکنده از برداشت‌های نادرست، اشتباهات علمی فاحش، عدم اطلاع از قواعد زبان، تحریف و ایجاد تردید است، اما همچنان، موجب شگفتی روشن‌فکران می‌شود.

در پایان، بر عموم جامعه‌ی اسلامی، به‌ویژه اهل علم، لازم است که شناخت صحیحی از اهداف دشمنان حاصل کرده و در مقابل آنان به پا خیزند.

مشخصات کتاب

نام کتاب: تریاق؛
گامی در راستای
درمان ریشه‌ای
شباهات فکری
نویسنده: دکتر مطلق
الجاسر

ترجمه و نشر:

مجموعه رد شباهات ملحدین

تعداد صفحات: ۱۶۵



درحالی‌که بسیاری از کتاب‌های حوزه رد شباهات به پاسخ تفصیلی شباهات می‌پردازند، برخی دیگر به آموزش اصول و روش‌ها می‌پردازند و به قول معروف به جای ماهی، شیوه ماهی‌گیری را به مخاطب یاد می‌دهند. کتاب تریاق (پادزهر) از دسته دوم است. مؤلف در این کتاب مباحث مهمی همچون مصادر شناخت، روش‌های شبهه افکنان، اصول شباهات و پاسخگویی به شباهات مهم را ذکر کرده است. نویسنده در این کتاب مثال‌هایی از شباهات رایج می‌آورد تا تطبیق عملی قواعدی که برای رد شباهات ذکر کرده را به خواننده نشان دهد.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

یکی از مشهورترین کلمات مجمل که بسیاری از شباهات از آن برخاسته می‌شود، کلمه آزادی است. این کلمه جذابیت خاصی دارد و توجه همگان را جلب می‌کند. آزادی هم حاوی حق است و هم باطل، از یک طرف آزادی کفر و عصیان و تجاوز بر دیگران را شامل می‌شود که اینها مردود است و از طرفی دیگر آزادی در تملک و تجارت و خوردن و آشامیدن و غیره را شامل می‌شود که اموری پذیرفتنی و خواستنی‌اند، برای همین نمی‌توانیم کلمه آزادی را قبل از بررسی موشکافانه و دانستن مقصودش قبول کرده و شعار دهیم.

مشخصات کتاب

نام کتاب: ما ذا خسر العالم بانحطاط المسلمين
نویسنده: علامه سید ابوالحسن ندوی
مترجم: مولانا عبدالحکیم عثمانی
ناشر: نشر احسان
تعداد صفحات: ۴۰۰



شخصیتی نامور و اندیشمندی برجسته مانند علامه سید ابوالحسن ندوی که جهانی تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های ناب و معتدلانه‌اش قرار دارد، برای کمتر کسی از اهالی جامعه علمی ناآشناست. با وجود اینکه همه تألیفات ایشان در نوع خود به دلیل داشتن سبکی نوین، منحصربه‌فرد و ایده‌آل به شمار می‌آیند، اما یک کتاب از میان سایر آثار ایشان جایگاهی ویژه دارد. کتاب «ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمين» بنا بر تعبیر برخی نویسندگان، پل آشنایی میان مؤلف و جهان عرب شد. مقبولیت این اثر فراتر از آن رفت، تا جایی که به گفته خود علامه ندوی و اندیشمندانی همچون دکتر یوسف قرضاوی، در جهان عرب کسی که «ماذا خسر العالم» را نخوانده باشد، باسواد به شمار نمی‌آید! بنا بر نظر گروهی از محققان، خواندن این کتاب بر هر فردی که در راستای احیای عزت امت اسلامی فعالیت می‌کند، ضروری است. این اثر از نخستین تألیفات علامه ندوی رحمه‌الله به شمار می‌رود. ایشان در ابتدا در تألیف این کتاب دچار تردید بود و میان کشمکش احساسات قلبی، که او را به نگارش ترغیب می‌کرد، و محاسبات عقلانی، که انگیزه تألیف را تحت‌الشعاع قرار می‌داد، مردد مانده بود. اما در نهایت، ندای قلبی را بر ملاحظات عقلانی ترجیح داد و در راستای بازگرداندن عزت مسلمانان و ایجاد خودباوری و هویت‌شناسی در میان امت اسلامی، دست به قلم برد.

به گفته برخی نویسندگان، در حالی که بسیاری از اندیشمندان در آثار خود اوضاع امت اسلامی را در پرتو تحولات جهانی - در حوزه‌های صنعتی، فکری، فرهنگی، سیاسی و ... - و میزان تأثیرپذیری آن از غرب تحلیل می‌کردند، علامه ندوی رحمه‌الله میزان و حدود خسارتی را که جهان از عقب‌ماندگی مسلمانان متحمل شده بود، به تصویر کشید.

علامه سید ابوالحسن ندوی در این کتاب، با هدف احیای روح مسئولیت‌پذیری و اندیشه جهانی امت اسلام، تلاش می‌کند رسالت و هدف این امت را ترسیم کند. وی میان بحران‌های عمیق جهانی و کناره‌گیری مسلمانان از عرصه رهبری جهان، پیوندی عمیق برقرار می‌سازد و برای اثبات این ادعا، نمونه‌هایی تاریخی ارائه می‌دهد.

این کتاب از پنج بخش اصلی تشکیل شده است:

۱. بررسی تاریخ جاهلیت (پیش از اسلام) ۲. گذر از جاهلیت به اسلام ۳. عصر اسلامی ۴. عصر اروپایی ۵. رهبری جهانی امت اسلامی

نویسنده در هر بخش، با ارائه نمونه‌های تاریخی از قرون مختلف، شرایط هر دوره را مقایسه کرده و نتیجه می‌گیرد که تنها راه برون‌رفت از چالش‌های بزرگ کنونی، بازگشت مسلمانان به عرصه رهبری جهانی است.

این کتاب به زبان عربی نگاشته شده و تاکنون دو بار به زبان فارسی ترجمه شده است:

۱. ترجمه استاد مصطفی زمانی با عنوان «حدود خسارت جهان و انحطاط مسلمانان»
۲. ترجمه استاد عبدالحکیم عثمانی با عنوان «کندوکاوی در اوضاع جهان و انحطاط مسلمانان»

مطالعه این اثر به همه اندیشمندان توصیه می‌شود.

آشنایی با اهداف گاهنامه «باور ما»

- * اهمیت ایمان به خداوند و قرآن؛
 - * پاسخ به شباهات عقل‌گرایان و ملحدین؛
 - * اثبات حجیت حدیث؛
 - * شناخت خاورشناسان و اهدافشان؛
 - * تاریخ طلایی اسلام و دانشمندان مسلمان؛
 - * واکاوی تمدن غرب؛
 - * تاریخ ایران قبل از اسلام و بعد از آن؛
 - * و
- «باور ما» می‌خواهد با استنادات و ارجاعات علمی، به دور از هرگونه تعصب و با انگیزه‌ی پرده‌برداری از حقیقت و ازاله‌ی شبهه‌ی شبه‌افکنان، گامی مستحکم در راستای القای اعتماد به نفس قوی به نسل جدید، بردارد، باشد که جوانان مسلمان با در دست داشتن دلیل و برهان، نه تنها به اسلام خویش افتخار نمایند، بلکه به تبلیغ و انتشار آن مبادرت ورزند. برای رسیدن به این هدف بلند، هیئت تحریریه گاه نوشت «باور ما» مطالب خود را در موضوعات ذیل ارائه می‌کنند: